



کنسترتیون

پیشکاو علم انسانی و مطالعات فکری

رتال جامع علوم انسانی

سخت ترین و مشکلترین لغات را برای این افراد تشکیل می دهند. بعد از هر لکنت تکلم صاف روان می شود تا لکنت بعدی.

بیش از ۹۰ درصد آغاز لکنت زبان قبل از سن شش سالگی می باشد. مردها بیشتر از زنهار به لکنت زبان دچار می شوند و این نقص در طبقات بالای اجتماع متداولتر است.

چه عواملی باعث لکنت زبان می شوند؟

استعداد ارثی - عده‌ای از روان شناسان معتقدند که نقص ارثی دردستگاه تکلم موجب لکنت زبان شده که هنگام استرس یا فشار روحی باعث لکنت می شود.

نقش والدین در تشدید لکنت زبان اهمیت فراوان دارد. والدین این کودکان عکس عملهای شدیدی نسبت به گرفتن زبان اطفال از خود نشان می دهند. در نتیجه این عمل اعصاب کودک ناراحت شده و همیشه نسبت به خود شک و تردید دارد و در نتیجه دچار لکنت زبان می شود.

فرضیه های عصبی

عامل بیدایش لکنت زبان از نظر دیگر عامل آسیب های زمان تولد و دوران کودکی است که برمغز کودک وارد می شود. آسیبی که به مغز ممکن است برسد باعث اختلال در توازن دستگاه تکلم می گردد.

معمولا "لکنت زبان درجه هائیکه از مبتدیان شدن به یک بیماری شدید عفونی عارض می شود. عده‌ای معتقدند که لکنت زبان بچه‌ها نتیجه اصرار والدین کودکان چپ دستی است

همه مادر واقعی مانند هنگام ترس دچار لکنت زبان و سد فکری می شویم. این نوع لکنت یک عکس العمل ناقص و ناخودآگاه است کسسه بواسطه واهمه اعصاب مغشوش و موقعیت های پیچیده که بر ما غلبه می کنند عارض می گردد.

همراه بالکنت تغییرات جسمی و روحی از قبیل مسدود شدن فکر، عرق کردن، لرزش و بی نظمی کلی دستگاههای بدن بوجود می آید.

افراد در دوران کودکی که در حال فراگرفتن عملیات مشکل تکلمی هستند بیشتر دچار عوامل انحرافی می باشند تا در دوران بعدی. ممکن است لکنت زبان در سنین بالا بطور موقتی به واسطه استرس، عدم احساس امنیت و کفایت پیش آید.

در لکنت زبان آنچه که بیش از همه در شخصیت کودک مورد توجه قرار می گیرد آن تلقی و برداشتی است که فرد لکنتی از مشکل خود می کند، خصوصا آنکه در این برداشت دیگران و محیط نقش مهمی را بازی می کنند. زیرا در اغلب موارد دیده شده است که کودک لکنتی در تنهایی یا بطور عادی با اندکی اشکال صحبت می کند ولی در زمانی که در مقابل بزرگترها قرار می گیرد لکنت زبان در او بیشتر می شود.

اگر چه افراد مبتلا به لکنت زبان در موقعیتهای اجتماعی احساس اضطراب و حقارت می کنند، از لحاظ ساختمان شخصیت با اسخاص دیگر فرقی ندارند فقط دارای سطح فعالیت و خواسته‌های کمتری هستند.

لکنت ممکن است بصورت اشکال در تلفظ سیلاب اول بعضی از کلمات باشد. بطور معمول سیلابهای اول کلمات مهم تکراری هستند، تلفظ ب - د - س - ت که در اول کلمات قرار دارند

که به اخبار می خواهند فرزندشان بادیست راست بنویسد. معمولاً "دستگاه کنترل مغزی برای نوشتن بادیست راست در نیمکره چپ و برای نگاشتن بادیست چپ در نیمکره راست قرار دارد. در صورت تغییر دست دادن اخباری اختلالی در تسلط دستگاه مغزی بوجود می آید که باعث به هم خوردن توازن و هماهنگی بیان کلمات می شود.

بنابراین بیماریهای عفونی مانند مَحْمَلْک سرخک، سیاه سرفه ممکن است سبب بروز لکنت زبان گردند.

انتقاد بیش از حد از کودک در دوران اولیه زبان بازکردن موجب تشدید لکنت زبان می شود. بسیاری از والدین مکث و تکرار کلمات بچه های سه یا چهارساله را با لکنت زبان اشتباه می کنند. این والدین باحالی نگران کودکان خود را تحت فشار وزیر باد انتقاد گرفتار و اخبارا " می خواهند جلوی این مکث و تکرار را که یک امر طبیعی است بگیرند و بدین ترتیب شک و یاددلی، عدم اعتماد در تکلم به کودک راه می یابد و لکنت واقعی شروع می شود.

درمان لکنت زبان

معالجه لکنت زبان باید به محض تشخیص آن صورت بگیرد. در وهله اول باید عوامل مزاحم محیط را که باعث ناراحتیهای عصبی شدید می شوند حذف نمود. احساس امنیت از عوامل بسیار مهم می باشد. چنانچه در محیط خانواده والدین بتوانند با بی اهمیت تلقی کردن مکث و تکرار کلمات در کودک خود احساس امنیت و کفایت بوجود آورند، لکنت زبان او برطرف می شود اما این کار با عجله عملی نیست و هرگز نباید کودک تحت فشار قرار گیرد. جلوگیری از اضطراب تا حد زیادی ممکن است. هر علامت و عکس العملی که نشان دهد استباهی در شیوه صحبت کردن کودک وجود دارد یا هرگونه تظاهر اضطراب در چهره شادار موقع صحبت او، ناهشتمنی بر روی او می گذارد. نسبت به تکرارها و مکث های کودک که احتمالاً " طبیعی هستند نباید واکنش نشان داد. اگر کودک از آنها آگاه نشود سانس رهایی برایش زیاد نخواهد شد.

و نمود نکنید که نمی شنوید. وسوسه نشوید که به فرزندتان بگویید دوباره بگو، حتی اگر او باردوم چیزها را خیلی بهتر بگوید، تکرار یک

فرضیه های روانسی

به موجب فرضیه روانگاو لکنت یک حالت از زندانی و محدود شدن رشد و تکامل احساسات می باشد که در مرحله تکاملی دهانی متوقف شده است. چنین تصور می شود که لکنت زبان نیازمندی حسی بوده که رشد تکاملی دهانی را اکتفا کرده و باعث می شود که شخص بطور ناخودآگاه تمایلی به لکنت زبان پیدا کند.

به موجب تئوری دیگر لکنت زبان عادتگی بدیا آثاری از یک کشمکش شدید روحی است.

طبق تئوری " دوری - نزدیکی از کشمکش " شخصی مبتلا به لکنت از حرف زدن واهمه دارد و از آن امتناع می ورزد ولی بواسطه احتیاجات اجتماعی و ضرورت مکالمه، وی ناچار به گفتگو می باشد.

تحقیقات نشان داده است که کودکان مبتلا به لکنت زبان در حریان از شیر گرفتن و آموزش نظافت بیش از دیگر کودکان تحت فشار قرار می گیرند.

۵ - سوالات کودکان را نباید بی جواب گذاشت. کودک کنجکاو است و از هر مسئله جدیدی که برایش نازگی داشته باشد، پرسش خواهد کرد و در نتیجه دادن جواب مناسب به این پرسشها، فعالیت بیشتر شده، در گفتگوها مشارکت خواهد کرد.

۶ - نباید از کودک سوءالات بیشتری بکنیم. با او بخواهیم در جلو جمع صحبت کند، این کار موجب آشفته شدن افکار و گفتار کودک می - گردد و ناراحتیهای دیگر کودک در گفتار او انعکاس می یابد.

۷ - از کودک سوءالات غیر ضروری نکنید و اجازه دهید هر وقت که می خواهد صحبت کند. اگر توانایی او برای صحبت کردن بطور غیر طبیعی تحت فشار قرار گرفته است با چندین روز استراحت معمولاً "روانی طبیعی رابه دست خواهد آورد. اما این باید هشداری باشد که در آینده تقاضای سنگین از او نکنیم. اگر تصور می کنید که کودک از چیزی ناراحت است یا ناراحتیهایی در محیط خانه وجود دارد، باید سعی کنید آنها را برطرف کنید.

همان طوری که ذکر شد، ممکن است چپ دستی و لکت به هم مربوط باشند. فشار خاص بر کودکی که بطور طبیعی چپ دست است در استفاده از دست راست به عنوان علتی برای لکت شناخته شده است. با رابطه ای که ممکن است وجود داشته باشد بهتر است به کودک اجازه دهیم از دستی که خودش ترجیح می دهد استفاده کند.

مراقبت در سنین پایین ممکن است از رشد لکت حقیقی در مراحل بالاتر تسهیل کند. شاید کودک مدت زمانی دچار لکت بوده و حال

جمله خیلی مشکلتر از ساختن آن است. توجهتان رابه نحوه گویش او معطوف نکنید لذا به کودک نگویید که خیلی آهسته صحبت کند یا به او نگویید قبل از صحبت کردن فکر کند یا در مورد گفتار او رفتار ناخوشایندی نشان ندهید و انتقاد نکنید. این مرحله احتمالاً "یک مرحله" موقتی است که اگر کودک مضطرب نشود این مرحله را خواهد گذراند. هر فرد بزرگسالی می داند که چگونه گفتار او در موقع اضطراب آشفته می شود و زمانی که از صحبت کردن در میان جمع ناراحت است چه مکت هایی می کند و او این آگاهی را بعد از چندین سال تمرین در صحبت کردن به دست آورده است.

اگر فرزند شما بطور روان و آشکار صحبت نمی کند می توان برای کمک به او و تسویق در رشد گفتار روان مراحل زیر را بکار بست:

۱ - همیشه در مقابل این نوع کودکان بایستی بطور ساده و واضح صحبت نمود، تا کودک این روش را برای خودش مشتق قرار دهد.

۲ - سعی کنید در حین صحبت کردن کودک در خانه، دیگران صحبت او را قطع نکنند و هر کس در نوبت خودش صحبت کند.

۳ - با کودک خود صحبت بکنید و داستانهای ساده را برای او چند بار تکرار کنید و آهنگها و اشعار رابه او آموزش دهید و تمرین نمایید.

۴ - اگر کودک بتواند در مورد انواع چیزهاو تجربیات مختلف تا حد زیاد بشنود برای او این امکان را فراهم خواهد آورد که در گفتارهای خود آنها را بکار بسته و خواسته های خود را آسانتر بیان کند.

می داند . بچه‌ها ونوجوانان بیش از همه از لکنت خود ناراحت می شوند زیرا در این حال نمی توانند احترام دیگران را جلب کنند و در میان دوستان خود مورد تمسخر واقع می - شوند . این نقص تکلمی در موقعیتهای اجتماعی باعث عدم پیشرفت می گردد ، زیرا آنها نمی - توانند در مصاحبات شرکت نمایند .

کریم رنجه بازو



منابع مورد استفاده :

- ۱ - آسیب شناسی روانی - دکتر سعید شاملو .
- ۲ - راهنمای درمان لکنت زبان - نوشته گیل وت وقوبی گوون - ترجمه ناهید عظیمی .

از آن آگاه شده است ، خیلی مهم است که موقع صحبت کودک ، گفتار او تصحیح شود و وادار نشود که مجدداً آنها را تکرار کند . امانیازی نیست که وانمود کنید مشکلی وجود ندارد . اگر کودک در مدرسه نتواند در جای خودش بخواند و پاسخ سوءالات را بدهد ، بهتر است زیاده از او پرسش نشود . صحبت درباره افکار کودک برای دریافت احساسات اوممكن است مفید باشد . اوممكن است فقط نیاز به ایجاد اعتماد واطمینان داشته باشد که همه مابعضی مواقع بر روی کلمه‌ای توقف می کنیم . تکرار یا ترمیم کلمات مشکل ، هیچ ارزشی ندارد .

درمان لکنت زبان در سنین بالا بسیار مشکلتر می شود ، زیرا دوستان و همشاگردیها آن را موضوع شوخی و تمسخر قرار می دهند . این تمسخر شخصیت کودک ونوجوان را مورد تجاوز روحی قرار می دهد ، زیرا وی به لکنت زبان خود همان طوری که فردی به بینی بزرگ خود خو گرفته عادت نموده و آن را بدیده‌ای از شخصیت خود

معلم خود را هم قدشاکران نشان می دهد :

و نمی گذارد که به وقت نگاه کردن چشم شاگرد به بالا بگردد .

برای اینکه او را ببیند ، و هرگز بدین روشش ، فرزند را تحقیر نخواهد کرد .

سومی مسئله خودسازی است یعنی من اشاره‌ای که به تربیت اولیه کردم یک وقت مبادا اینطور تصور بفرمایید که ما را هرطور ساختند دیگر تمام شده‌هاش بنشینیم گله از پدر و مادر داشته باشیم یا از احداثان. خوب وقتی شما می‌گوئید مثلا "پدر مرا درک نکرد یا مادر مرا درک نکرد دلیل فهم شماست و کسی که می‌فهمد می‌تواند اعمال خود را تجزیه و تحلیل کند، نقادی کند. اخلاق پدرم آن بوده من حالا چه هستم؟ اگر بیندیشم انتقاد هم نمی‌کنم پس می‌اندیشم که می‌توانم انتقاد کنم، ایراد بگیرم و اینکه می‌توانم بیندیشم یک مقدار هم درباره خودم بیندیشم. حراما همه ناکامیهایمان را به حساب دیگران می‌گذاریم، همه شکستهایمان را - من زیاد اعتقاد به کلمه شکست ندارم - به حساب دیگران می‌گذاریم. عدم موفقیت‌هایمان را در زندگی به حساب دیگران می‌گذاریم و دیگران را به محاکمه می‌کشیم. ولی اینطور نیست، نقطه‌ای که می‌خواهم بدان تکیه کنم ارتباط با حضور شما عزیزان و موضوع صحبت من در این جا دارد این است که به هر حال انسان تربیت می‌شود و تربیت اولیه‌اش از نطفگی - البته قبل از بسته شدن نطفه مسائل تربیتی فراوان داریم که فعلا "مورد بحث مانیست - شروع می‌شود یعنی باید ساخته بشود. شما تعجب نکنید اگر من بگویم که وقتی بچه به حالت‌ترین دوران جنینی مثلا "به چهار ماهگی می‌رسد تریس مادر، آه و سوز مادر، خشم مادر، غم مادر، شادی مادر و غذاهای مادر این بچدرا می‌سازد، برای چه زمانی می‌سازد؟ برای ۲۰ سالگی برای ۳۰ سالگی، دقت بفرمائید مسائل زایمان مادر، مثلا "زایمان سخت ممکن است در ۱۶ سالگی، ۱۷ سالگی آشکار اسف انگیز روانی داشته باشد، نباید بلافاصله از زایمان ظاهرا "مسئله‌ای یا ناهنجاریهای روانی دیده نشود ولی بعدها عوارضی خواهد داشت.

دوران شیرخوارگی یعنی ۲ سال اول مهمترین زمان تربیت یک‌بچه است و شما می‌دانید تربیت آینده ساز است و ما از تربیت نتایج لحظه‌ای نمی‌خواهیم. این دوران شیرخوارگی بچه خیلی مسئله دارد. مگر شیرخوارگی هم مسئله دارد؟ مادر شیر می‌دهد بچه هم می‌خورد. اگر هم ندارد شیر معمولی یا پاستوریزه یا شیرخشک را می‌ریزد در ظرفی، شیشه‌ای پستانکی، بهم می‌زند و می‌دهد بچه می‌خورد. اینکه مسئله‌ای ندارد. منظور من از بیان این قسمت از مطلب این است که یک نقش مهم‌سما خواهران گرامی ارتباط با مادرهاست و مادرها را شما آگاه کنید. باسیردن بچه به مهدکودک، به کودکستان، به آمادگی، حتی در دوره دبستان و بعد از آن تکلیف والدین ساقط نمی‌شود. مادر خیال می‌کند که بچه‌ام را گذاشتم مهدکودک، راحت شدم. شما باید ارتباط پیدا کنید، شما معلمید، مربی هستید موازین تربیتی را می‌دانید، مسائلی را باید به مادر کمک کنید تا تلاش شما در محیط مهدکودک با تلاش والدین در محیط خانه هماهنگی داشته باشد و این انسان، انسان باریابید.